

مقطع تحصیلی: کاردانی ■ کارشناسی □ رشته: مترجمی زبان ترم: اول.. سال تحصیلی: 1398-1399
نام درس: دستور پایه..... نام و نام خانوادگی مدرس: میترا آریا.....
آدرس email مدرس: ARIA875@YAHOO.COM..... تلفن همراه مدرس: BLANK-..

جزوه درس: دستور پایه مربوط به هفته : 7 text: دارد ■ ندارد □
voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■
تلفن همراه مدیر گروه : BLANK.....

با سلام و وقت بخیر حضور دانشجویان عزیز
رسیدیم به جلسه ی هفتم

اگر بخاطر داشته باشید قرار بود شروع کنید به حفظ سه قسمت افعال بی قاعده در ص 268 و
269 ص. امیدوارم این کار رو شروع کرده باشید.

Unit 100

حال برویم به صفحه ی 200 در کتاب.
در این درس به جایگاه کلمه ی Enough/too در جملات می پردازیم.

بخش A

مثال های این قسمت را بخوانید. همانطور که مشاهده می نمایید:
Enough **بعد** از صفات و قید ها می آید و معنای آن : به اندازه ی کافی" می باشد.

همچنین در این قسمت توضیحی در باره ی کلمه ی too داده شده و با مثال توضیح میدهد که این کلمه
قبل از صفت یا فعل می آید و معنای "بیش از حد" دارد.

1- we have waited **long enough**.

2- You work **too hard**.

3- You **don't** work hard enough.

4- You **mustn't** speak too loudly.

در مثال های 3 و 4 بالا چگونگی ساخت جملات مثبت و منفی با این کلمات را میبینیم.

اگر بخواهیم Enough را با یک اسم بیاوریم جایگاه آن به **قبل** اسم تغییر میکند.

I don't have **enough energy**.

همچنین میتوانیم برای جلوگیری از تکرار Enough را بدون اسم بعد از آن بیاوریم.

We don't need cheese. We have enough.

Too به تنهایی نمی تواند برای اسم استفاده شود. پس از too much and too many استفاده میکنیم.
این بستگی به قابل شمارش و غیر قابل شمارش بودن اسم دارد.

There are **too many cars** in the street.

There is **too much noise** in this classroom.

بخش B

در این قسمت به این مطلب اشاره شده است که :

We say **enough/too ... for someone/something**

But **enough/ too.... To do something**

Example:

Does Joe have **enough experience for the job?**

Does Joe have **enough experience to do the job?**

Look at this example:

The bridge is wide enough **for two cars to pass each other.**

در این مثال هر دو مورد استفاده شده است.

بخش C

در جمله نویسی زبان انگلیسی هرچه جملات طولانی تر باشند زیباتر و حرفه ای تر میباشند. در واقع جملات ساده و کوتاه برای سطح زبان مبتدی و جملات پیچیده تر برای سطح زبان پیشرفته می باشند. به جملات زیر نگاه کنید:

The food was very hot. We couldn't eat it .	غذا داغ بود. نتوانستیم آن را بخوریم.
The food was so hot that we couldn't eat it .	غذا آنقدر داغ بود که نتوانستیم آن را بخوریم.
The food was too hot to eat.	غذا برای خوردن بیش از حد داغ بود.

در مثال اول دو جمله ی ساده داریم که مناسب سطح مبتدی در زبان است. اما دو جمله ی بعد سطح متوسط به بالا از زبان را نشان میدهد در حالیکه همان معنی جمله ی اول را دارا هستند. فرق جمله دوم و سوم در آن است که نیازی به آوردن ضمیر **it** در انتهای جمله نمیشود. مثال های بیشتر را در انتهای همین قسمت بخوانید.

تکلیف

تمرین های صفحه ی بعد را انجام دهید.

با آرزوی سلامتی و دیدار شما عزیزان

تا هفته ی بعد خدانگهدار ☺

-آریا